

چماق ارتداد

طی هشت ماه گذشته، به تفاریق، به پرسش‌های دوستان و عزیزان بسیاری از طریق «کانال تلگرامی» خود پاسخ داده‌ام. متن زیر، در پاسخ به سؤال یکی از دوستان، امروز در کانالم منتشر شده است:

سؤال: نظرتان درباره سلسله مقالات اکبر گنجی به عنوان نقد نظریه «رؤیاهای رسولانه» دکتر سروش، خصوصاً آخرین مقاله ایشان تحت عنوان «ادّعی پیامبری سروش و وعده عالمگیر شدن فرقه سروشیه» چیست؟

پاسخ: حقیقتش بنای سخن گفتن درباره سلسله مقالات ایشان در این باب را نداشتم و ندارم؛ چرا که فاقد معیارهای حداقلی تحقیق و پژوهش‌های عالمانه و منصفانه‌اند و نظیر اکثر کارهای ایشان در این حوزه از جنس بولتن نویسی و پرونده سازی و آسمان و ریسمان را به هم بافتن است؛ مضافاً که ایشان، به گواهی پیشینه معرفتی و نوع آثارش، ورودی در مسائل الاهیاتی - فلسفی ندارد و در این عرصه‌ها، فاقد بضاعت و صلاحیت لازم است و مکتوباتش، جز نقل قول‌های فراوانی که از عمرو و زید می‌آورد، ارزشی ندارد و غیر قابل استفاده است. اما، از آنجایی که نوشته اخیر ایشان متضمن بهتان و تهمتی آشکار است و نسبت ادّعی پیامبری و فرقه‌سازی به عبدالکریم سروش داده، این چند سطر را می‌نویسم. اگر تمام نقل قول‌های گنجی از سروش را که در مقاله خود آورده، کنار هم قرار دهیم، اندک دلالتی بر ادّعی پیامبری و فرقه‌سازی توسط سروش نمی‌کند. پس، یا گنجی با مقوله استنتاج منطقی آشنایی ندارد و نتایجی که از مقدمات (نقل قولها) گرفته، نتایجی که بیشتر به شوخی و مزاح شباهت دارد، محصول ذهنی آشفته و مغشوش است؛ و یا از سر خصومت و عداوت و به قصد پرونده سازی، این مقاله و توسعاً این سری مقالات را نوشته است. هر کدام که باشد، ادّعاهای بی بنیاد و اتهام زنی‌های ناموجه ایشان در ترازوی تحقیق وزنی ندارد و ارزش پرداختن بیش از این را ندارد. مع‌الاسف، تنها نتیجه انتشار این مقالات گنجی (که روزگاری در سپاه به بولتن نویسی اشتغال داشت)، دادن تیغ به کف زنگیان مست و جار زدن این امر است که ایهاالناس چه نشسته‌اید که فلانی عبدالکریم سروش) از دایره دیانت اسلام خارج شده، چماق ارتداد و تکفیر بردارید و حقّ او را کف دستش بگذارید.